

چالش‌های ایرانی

Walter Posch (ed.), *Iranian Challenges*, Paris: Institute for Security Studies, 2006, 135 pages.

دکتر منوچهر پایور

پژوهشگر ارشد سیاسی و مدرس دانشگاه

کتاب پیش روی دربرگیرنده مجموعه‌ای از نوشتارها است که به سه بخش تقسیم شده است: در بخش یکم مسایل داخلی ایران، در بخش دوم مسایل امنیتی ایران و در بخش سوم و پایانی روابط ایران با کشورهای غربی مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع نوشتارهای این کتاب از یک جهت مثبت و از جهتی دیگر منفی ارزیابی می‌شود. از این جهت نوشتارهای این کتاب مثبت ارزیابی می‌شود که نویسندگان این نوشتارها با استفاده از نظریه سیاسی نوسازی و یا به طور کلی لیبرالی به تحلیل مسایل خاصی همت گماشته و با ارایه شواهدی فرضیه خود را مورد آزمون قرار داده و در این راستا به تعبیری موفق بوده‌اند. نظریه لیبرالی به

گرایش‌های فرهنگی سیاستمداران و مردم یک جامعه توجه دارد و بر اساس این اصل مهم سیاست‌های دولت را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. از این دیدگاه در صحنه داخلی گرایش دولت به ارزش‌های متعالی همچون اشاعه آزادی‌های فردی و گروهی باعث می‌شود تا مردم بتوانند در جهت تأمین منافع خود گام‌های مثبتی بردارند و بدین سان ثبات و امنیت جامعه قوام پیدا می‌کند. در صحنه روابط بین‌الملل هم سیاستمداران از طریق همکاری و ایجاد تفاهم با مقامات دولتی کشورهای مختلف به ایجاد ثبات و امنیت در جهان کمک می‌کنند. با استفاده از این دیدگاه می‌توان به وجود ارزش‌های مترقی در جامعه و تلاشی که مردم برای احقاق این ارزش‌ها به خرج می‌دهند پی برد و نشان داد که چگونه اشاعه اصولی چون آزادی و همزیستی مسالمت‌آمیز و مشارکت اجتماعی در صحنه‌های مختلف جامعه از جمله صحنه اقتصادی می‌تواند به ایجاد ثبات و امنیت در جامعه کمک کند. وقتی مردم به طور مثال در صحنه اقتصادی به تأمین منافع خود و کسب درآمد بیشتر با

یکدیگر رقابت می کنند میزان درآمد یکایک آنها افزایش یافته و آنها می توانند از این طریق نیازهای مادی خود را تأمین کنند. قطعاً نوسازی جامعه و اشاعه ارزشهای مترقی و احترام به آنها باعث می شود تا مردم بتوانند در جهت تأمین منافع خود گامهای مثبتی بردارند و بدین سان قوانین حفظ می شوند و مردم هم وقتی به قوانین احترام می گذارند نظم و امنیت جامعه تقویت می شود. پس ما می توانیم در عرصه داخلی از طریق کار فرهنگی به ایجاد ثبات و امنیت کمک کنیم و نگذاریم که جان و مال مردم مورد تعرض و تهدید قرار بگیرد. روابط خارجی کشور هم به همین منوال تقویت می شود. وقتی مردم به همزیستی مسالمت آمیز و مشارکت اجتماعی در صحنه داخلی عادت کنند و سیاستمداران هم به این موضوع توجه داشته باشند دولت برای ایجاد تفاهم با کشورهای دیگر و دوری از جنگ و خونریزی در جهان اهمیت قایل شده و با همکاری دولتهای دیگر برای رسیدن به این مهم گام بر می دارد.

اما از جهتی هم نظریه لیبرالی نظریه ای کاملاً درست و صحیح به شمار

نمی آید زیرا رهبران هر کشوری در دنیا ممکن است به دلیل عدم آشنایی با برخی اصول ارزشی در جهتی گام بردارند که به هیچ وجه به تأمین آینده مملکت کمی نمی کند. اصولاً در کشورهای جنوب مانند ایران ارزشهایی رایج است که درک آنها به آسانی میسر نمی شود مگر اینکه ما با صبر و حوصله و با دقت فراوان آنها را مورد بررسی قرار دهیم. در کشورهای جنوب برداشتها و باورهای سطحی مردم از مدرنیته سبب می شود تا آنها به مسایلی چون کسب درآمد بیشتر، کمتر توجه داشته باشند تا لذت بردن از روابطی که با دوست، همسایه، خانواده و اقوام خویش دارند. در مجموع این مسئله که گرایشهای سنتی مردم دنیای جنوب به مرور رنگ می بازد مسئله ای است که درستی آن کاملاً مشخص نشده است. در ایران مردم همچنان ارزشهای مذهبی خود را حفظ کرده و چه بسا برای آنها ارزش و احترام بیشتری قایل هستند. بدین سان در عرصه داخلی کشور مردم به مسایلی چون گسترش آزادیهای فردی و گروهی کمتر توجه دارند تا مسایلی چون رفتن به مسجد و حفظ روابط اجتماعی؛ آنها به این مسئله هم

توجه دارند که در آینده میزان درآمدهای آنها چقدر افزایش می‌یابد تا حل معضلات اقتصادی که گریبانگیر خانواده، خویشاوندان و دوستان خود شده است. روابط خارجی ایران طبعاً تابع یک رشته ارزشهای سنتی است و از نقطه نظر مذهبی به مسایل سیاسی بین‌المللی می‌نگرد، به مسایلی چون ایجاد دوستی با کشورهای مسلمان و بدین سان از قواعدی که توسط کشورهای غربی وضع شده دل خوشی ندارد و برای آنها چندان ارزشی قایل نیست. دولت ایران برای رشد همکاریهای اقتصادی با کشورهای دیگر اهمیت قایل است اما در این زمینه میل ندارد مطلقاً با کشورهای صاحب نام همکاری داشته باشد و با کشورهای دیگر هم روابط اقتصادی نزدیکی برقرار کرده است. در عرصه سیاست بین‌الملل هم دولت ایران خطر ناشی از گسترش نفوذ آمریکا در جهان را جدی گرفته چرا که از دید مسئولین ایران، کشورها در سایه همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیزی می‌توانند از روابطی که با هم دارند منفعت ببرند نه از طرق دیگر. بدین سان ایران اسلامی برای ارزشهای خاصی اهمیت قایل است از جمله دوستی و اخوت با

مردم مسلمان و مظلوم دنیا و تا وقتی که نظریه لیبرالی به این موضوع توجه ندارد نمی‌توان از آن به طرز مفیدی برای بررسی مسایل داخلی و خارجی کشورهای جنوب از جمله ایران استفاده کرد. در بحث زیر با در نظر گرفتن وجوه مثبت و منفی نظریه لیبرالی کتاب حاضر را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

در دیباچه کتاب به این مسئله اشاره شده است که اروپا و ایران کماکان نتوانسته‌اند با یکدیگر روابط مناسبی داشته باشند. از نظر ویراستار این کتاب فرهنگ ایران فرهنگی است که در آن ارزشهای مترقی چون برخورداری از نظام سیاسی دموکراتیک رشد کرده اما از جهاتی هم هنوز فرهنگ جامعه معیوب است زیرا در صحنه سیاست داخلی، قدرت کاملاً توزیع نشده است. در این کتاب هم مسایل و چالشهای داخلی و هم مسایل و چالشهای خارجی ایران مورد بررسی قرار گرفته و بر این اساس کتاب به سه بخش تقسیم شده است:

۱. بخش نخست مسایل داخلی مورد بررسی قرار گرفته است.

می پردازد.

۲. بخش دوم مسایل امنیتی ایران

۳. بخش سوم روابط ایران و

کشورهای غربی بررسی شده است.

در بخش نخست، ابتدا موضوع

انتخابات ریاست جمهوری و تأثیری که این

انتخابات بر سیاستهای دولت داشته است

مورد بررسی قرار گرفته است. آقای

احمدی نژاد در دور دوم رأی زیادی کسب

کرد زیرا وی بر این مسئله تأکید داشت که

باید با اختلاف طبقاتی و فساد اجتماعی

مبارزه کرد، بدین سان اقشار مختلف و نه

تنها قشر مستضعف به وی رأی دادند.

اصلاح طلبان به موضوعاتی چون دموکراسی

و حقوق بشر تأکید کردند اما رأی زیادی

کسب نکردند چون بیشتر مردم ایران

اولویتی برای این موضوعات دیگر قایل

نبودند. با انتخاب آقای احمدی نژاد، پست

ریاست جمهوری، مجلس، نیروهای امنیتی و

نظامی و قوه قضاییه در اختیار اصول گرایان

قرار گرفت و بدین سان ارتباط و همکاری

میان مؤسسات دولتی و قشر روحانی تقویت

شده است. رییس جمهور جدید در انتخاب

اعضاء کابینه به این موضوع توجه خاصی

داشته که فردی که عضو کابینه می شود به

انقلاب اسلامی از لحاظ ایدئولوژیکی وفادار

باشد. به هر حال نگارنده این دوره را چنین

پیش بینی کرده که آقای احمدی نژاد به

جای اینکه تنها به مسایل سیاست خارجی

توجه نماید به مسایل داخلی هم توجه

می کند و به طور مثال برای کاهش نرخ

بیکاری گام برمی دارد، البته در زمینه

سیاست خارجی وی در مذاکره با دولتهای

خارجی، بر منافع ملی ایران تأکید می کند و

به آسانی تن به خواسته های آنها نمی دهد.

به همین دلیل نویسنده ادعا می کند که

دولت در زمینه سیاست خارجی با شکست

مواجه می شود، زیرا ایران نیازهایی دارد که

باید تأمین شود. از نظر ما نگارنده، این

نوشتار به طرز جالبی مسایل ظریفی را

بررسی کرده است اما وی همانند نوشتار

دیگری که در این خصوص در کتاب حاضر

درج گردیده، به این مسئله توجه ندارد که

مردم ایران مردمی سنتی هستند و باورهای

مذهبی آنها بر شکل گیری رفتار سیاسی آنها

تأثیر قابل توجهی بر جای می گذارد. اصولاً

نمی توان انتظار داشت که مردم ایران از

رفتار سیاسی سنتی خود دست بکشند. از

دست بکشند. از نظر مردم ایران دولت باید به ارزشهایی چون اخوت و معنویات از دیدگاه اسلامی توجه داشته باشد و باید بر این اساس برای اداره جامعه گام بردارد. بدین سان دموکراسی و برپایی جامعه مدنی در درجه دوم اولویتهای مردم قرار دارد و در درجه نخست باید روابط اجتماعی تقویت شود تا از این طریق ثبات و امنیت در جامعه ایجاد شود.

در بخشی دیگر از کتاب مسایل امنیتی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. از جهاتی در این بخش از کتاب بررسیهای خوبی انجام شده است و با خواندن این نوشتارها می توان با مشکلات امنیتی دولت آشنایی پیدا کرد و به این مسئله پی برد که این مشکلات چقدر اهمیت دارند و با رفع آنها مردم چه منفعتی می برند. مسایلی چون شکافهایی که بین نخبگان اجتماعی و سیاسی مملکت وجود دارد و یا برخورد آمریکا با ایران باعث ایجاد ناامنی برای ایران شده و حل این مسایل می تواند به بهبود اوضاع مملکت کمک کند. اما باز هم باید در اینجا این نکته را در نظر گرفت که پایبندی دولت و مردم به ارزشهای بومی بر مسایل

امنیتی اولویت دارد و باعث می شود تا در زمینه امنیت ما رفتار خاصی داشته باشیم. از دیدگاه سران مملکت به طور مثال علاقه سیاستمداران ایران و کشورهای خارجی به عرفان و شعر ایرانی می تواند باعث شود تا آنها زمینه لازم را برای اشتراک فکری و فرهنگی داشته باشند. بنابراین، روابط صمیمانه ای بدین صورت بین آنها شکل می گیرد و اختلافات و درگیریها هم بر این اساس کاهش می یابد. بنابراین، باید در بررسی نوشتارهایی که درخصوص مسایل امنیتی ایران در این کتاب درج شده به این موضوع هم توجه داشت.

در مورد مسایل داخلی امنیتی ایران نیز از نظر نگارنده برای ایجاد تغییر و تحول در ایران عوامل خارجی نمی توانند کار مثبتی انجام دهند و گروههای فعال سیاسی داخلی کشور از طریق گفت و گو و مذاکره می توانند به اتفاق نظر برسند. ایران از سه لحاظ می تواند مورد تهدید قرار گیرد: نخست به علت این که نخبگان مملکت با هم متحد نباشند. کشمکشهایی که بین این عده به وجود می آید به ثبات و امنیت جامعه آسیب می رساند. بنابراین، این مسئله باعث

می شود تا دولت نتواند به راحتی در زمینه ایجاد امنیت داخلی گام بردارد. دوم تحریک شکافهای قومی از سوی بیگانگان است که باعث می شود تا دیگران بتوانند به امنیت کشور صدمه وارد کنند. وقتی شکافها کم باشند دولت می تواند به سیاستهای خود انسجام ببخشد و از این طریق ثبات ایجاد کند. شکافها باعث می شود تا مردم از یکدیگر دور شوند و بدین سان بذر نفاق میان آنها به آسانی رشد کرده و ثبات جامعه به خطر می افتد. سوم اینکه، در حال حاضر دولت از لحاظ امنیتی با چالش دیگری هم روبه رو است و آن چالشی است که در خارج از کشور به ایران وارد می کنند تا ایران نتواند در جهتی که می خواهد گام بردارد.

در نوشتار دیگر در این بخش از کتاب مشکلات راهبردی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. ایران با آمریکا و متحدین آن از جمله اسرائیل مشکل دارد زیرا دو طرف سعی دارند در آسیای غربی نفوذ قابل توجهی داشته باشند. در دهه ۱۹۸۰ دو طرف با هم رقابت تنگاتنگی داشته و به هیچ وجه با هم کنار نمی آمدند، اما به تازگی حادثه ۱۱ سپتامبر و در گذشته حمله عراق

به خاک کویت باعث شد تا مواضع آنها به یکدیگر قدری نزدیک شود، البته مردم ایران سالهاست که از آمریکا و غرب تجربه خوبی ندارند زیرا در دوران نخست وزیری مصدق و در دوران سلطنت شاه آمریکا و کلاً کشورهای غربی به منافع کشور آسیب رساندند. حمایت آمریکا از اسرائیل و کمکهایی که در جنگ ایران و عراق به دشمن بعثی ایران کرد باعث شده است تا دو کشور نتوانند روابط دوستانه ای داشته باشند. در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش، آمریکا ایران را متهم به انجام عملیات تروریستی علیه کشورهای دیگر کرده و سعی داشته موانعی بر سر راه برنامه توسعه هسته ای ایران ایجاد کند. به طور کلی در حال حاضر دو طرف با یکدیگر روابط خوبی ندارند. به باور نویسنده کتاب، ممکن است بتوان از طریق مذاکره این مشکل را حل کرد اما مشکلات عمده ای در این رابطه وجود دارد از جمله این که جورج دبلیو بوش می خواهد به بهانه جنگ با تروریسم و کسب محبوبیت نزد ملت آمریکا به هر وسیله ای که شده ایران را یکی از حامیان تروریسم معرفی نماید.

در نوشتار پایانی سیاست دفاعی و هسته‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده با دقت کامل ویژگی‌های نیروهای نظامی ایران را مورد بررسی قرار داده است. در این نوشتار به موضوعاتی چون جنگ ایران و عراق و تأثیر این مسئله بر قوای نظامی ایران اشاره شده و به ویژه به این مسئله اشاره شده که نیروی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در دوران بعد از انقلاب از جهات مختلف تقویت شده است. برنامه هسته‌ای ایران هم مورد بررسی قرار گرفته زیرا آمریکا و اتحادیه اروپا از این برنامه انتقاد کرده‌اند هر چند که ایران اعلام داشته که این برنامه به توسعه فنی و اقتصادی کشور کمک می‌کند. از نظر نگارنده ایران به برنامه هسته‌ای علاقه نشان می‌دهد زیرا از این طریق می‌تواند شأن و منزلت بیشتری میان کشورهای دیگر پیدا کند و می‌تواند جلوی خواسته‌های ناعادلانه آمریکا را بگیرد.

در بخش پایانی کتاب مسئله روابط ایران با کشورهای غربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این کار تحقیقاتی، بررسی‌هایی که انجام شده موضوع گرایش مردم به ارزشهای فرهنگی متریقی و تأثیر این

مسئله بر رشد جامعه مد نظر قرار گرفته است. از این رهگذر مسایلی چون امنیت ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تغییرات ارزشی که در جامعه صورت گرفته می‌تواند به بهبود وضعیت مردم کمک کند و باعث شود که دولت در حل مشکلات داخلی، راهبردی و امنیتی، و ایجاد روابط مناسب‌تر با دولت‌های خارجی به موفقیت‌هایی نایل آید، کمبوداتی که در زمینه شناخت دقیق فرهنگ جامعه وجود دارد باعث شده است تا به برخی از مسایل کمتر توجه شود. اصولاً سیاستمداران این مرز و بوم تحت تأثیر تعلیمات دینی قرار گرفته و به این جهت از مردم مظلوم و مستضعف دنیا حمایت نموده و خواهان اجرای عدالت در عرصه بین‌المللی هستند. تمایل ایران به عدم وابستگی به کشورهای دیگر و احتیاطی که سیاستمداران ما در زمینه ایجاد روابط با کشورهای غربی به خرج می‌دهند نشان‌دهنده این واقعیت است که ما نمی‌خواهیم با کشورهای غربی که با ما از لحاظ فرهنگی و ایدئولوژیکی هم عقیده نیستند در یک صف باشیم. کشورهای غربی معنای اخوت و برادری و برابری از دیدگاه

اسلام را درک نکرده و بنابراین با ما از لحاظ فرهنگی هم عقیده نیستند. سالهاست که کشورهای باختر زمین بر این مسئله تأکید کرده اند که مشکلات ایران و غرب را می توان از طریق مذاکره حل کرد اما تنها در صورتی این امر امکان پذیر است که ایران بتواند کاری کند تا کشورهای غربی قدر ارزشهای سنتی و دینی ما را بدانند.

در نخستین نوشتار این بخش روابط ایران و آمریکا در چند سال آینده مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده به این موضوع توجه دارد که تصور اشتباهی که دو دولت ایران و آمریکا از یکدیگر دارند در سالهای آینده باعث می شود که روابط دو طرف بهبود پیدا نکند. با بررسی ایدئولوژی سیاستمداران ایران، مواضع دولت آقای احمدی نژاد بررسی شده و به این مسئله مهم اشاره شده است که دولت می کوشد تا به آرمانهای اصیل انقلاب اسلامی وفادار باشد. ایران می کوشد تا با حفظ استقلال خود و عدم وابستگی به کشورهای قدرتمند منافع خود را در صحنه بین المللی تأمین کند و این امکان وجود دارد که بتوان از طریق مذاکره مشکلات دو طرف را حل کرد.

در دو نوشتار بعدی مسئله روابط ایران و اروپا مورد بررسی قرار گرفته است. روابط ایران و اروپا قدری پیچیده است. از همین روی تاریخچه روابط جمهوری اسلامی با اروپا بررسی شده و مسئله برنامه هسته ای ایران هم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مسئله برنامه هسته ای ایران جزو مسایل مهمی است که دو طرف در مورد آن مذاکره کرده اند. البته فشاری که آمریکا بر ایران وارد کرده تا ایران از برنامه هسته ای خود دست بکشد برای اتحادیه اروپا مهم است اما اروپا همچنان نمی خواهد با آمریکا در این مورد به طور کامل همکاری کند. یکی از اقدامات مثبت دولت ایران در زمینه ایجاد روابط مناسب تر با اتحادیه اروپا مطرح ساختن مسئله گفت و گوی تمدنها بود که باعث شده اروپا برای ایران احترام بیشتری قایل شود.

در نتیجه گیری، نگارنده به این موضوع توجه دارد که دولت ایران برای رفع مشکلات با کشورهای غربی باید راهکارهای تازه تری را برگزیند و همچنان بر حسن نیت خویش تأکید ورزد.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی